



## فقه و حقوق شهروندی

پدیدآورنده (ها) : گرایلو، علی

حقوق :: نشریه مطالعات حقوق شهروندی :: شهریور ۱۴۰۰ - شماره ۲۳

صفحات : از ۷ تا ۳۴

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1822360>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی از منظر فقه و دین اسلام
- نسبت‌سنجی "حقوق عامه" با "حقوق شهروندی" از منظر فقه امامیه و حقوق ایران
- فقه و حقوق شهروندی
- تحلیل زمینه‌های حقوق شهروندی در نهج البلاغه
- درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در اسلام
- درآمدی بر مفهوم، مبانی و انواع حقوق شهروندی در اسلام
- ضمانت اجرای اداری و انتظامی منشور حقوق شهروندی
- بررسی چالش‌ها و موانع فراروی تحقق حقوق شهروندی و یافتن راهکارهای عملی در نظام حقوقی ایران
- درآمدی بر حقوق شهروندی و نظام اداری
- موانع احیای حقوق عامه در حقوق ایران و راهکارهای تحقق مطلوب آن
- بررسی جایگاه منشور حقوق شهروندی در سلسله مراتب اسناد حقوقی جمهوری اسلامی ایران
- چالش‌های پیش رو حقوق شهروندی در نظام حقوقی - سیاسی ایران

## فقه و حقوق شهروندی

علی گرایلو<sup>۱</sup>

چکیده:

حقوق شهروندی در معنای عام آن، مشتمل بر حوزه‌ی گسترده‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و قضایی انسان‌ها است. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از حقوق متقابل میان افراد و شهروندان که در ادبیات حقوقی معاصر به «حقوق شهروندی» تعبیر می‌شود که به عنوان حقوق متقابل اعضای اجتماع و متصدیان امور حاکمیتی و تصدی-گری (انتظامی، اداری و ...) است که از مطالبات مهم دولت‌ها و شهروندان در قبال یکدیگر تلقی می‌شود.

در مجموعه‌ی قواعد و مقررات اسلامی (متون فقهی) که ناظر بر روابط میان اعضای اجتماع است مهم‌ترین موضوع، حقوق انسان است و زمانی که از تکلیف سخن به میان می‌آید، این تکالیف هم، در نهایت در خدمت حقوق انسان‌ها قرار می‌گیرند که این دو مفهوم در کتاب و در روایات مورد توجه قرار گرفته است.

ماموران دستگاه انتظامی در جایگاه ضابط قضایی به سبب تعامل مستمر و مستقیم با شهروندان، نقشی اساسی در نظام عدالت کیفری دارند و کوچک‌ترین سهل‌انگاری نسبت به حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی، موجبات تضییع حقوق اساسی آن‌ها

---

E-mail: [aligs71@yahoo.com](mailto:aligs71@yahoo.com)

۱- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه

را فراهم می‌سازد.

بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که فقه اسلام، شامل متعالی‌ترین مبانی و آموزه‌ها در خصوص حفاظت و مواظبت از مصادیق حقوق شهروندی است از همین رو، نگارنده کوشیده مبانی فقهی جلوه‌های مهم حقوق شهروندی را در مجرای اقدامات مربوط به ماموران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در مقام ضابط دادگستری تبیین نماید. واژگان کلیدی: فقه، شهروند، حقوق شهروندی، حریم خصوصی.

مقدمه:

کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم و ... اقداماتی است که موتور محرکه دستگاه عدالت کیفری را به حرکت در آورده و از رهگذر چنین اقداماتی مبارزه عملی با مجرمان محقق می‌گردد که این امور تحت تعلیمات و نظارت دادستان و توسط ضابطان دادگستری<sup>۱</sup> انجام می‌شود. به عبارت دیگر حفظ نظم، امنیت و آسایش عمومی بدون کشف جرم امکان‌پذیر نبوده لیکن اقدامات این مرحله نباید به بهای ارتکاب جرم و خلاف توسط ضابطان قضایی صورت پذیرد، اهمیت موضوع به حدی است که ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ به مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و همچنین به حدود و ثغور حقوق دفاعی متهمان توجه نموده که این موضوع نیز نشانگر توجه دستگاه عدالت کیفری به حقوق متهمان در مراحل قبل از صدور حکم است.

بدون تردید تحقق عدالت کیفری صرف نظر از نوع جرائم ارتكابی، بدون برقراری

---

۱ - ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مقام تعریف ضابطان دادگستری مقرر می‌دارد: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

محاكمه‌ی منصفانه که در آن حقوق شهروندی و آزادی‌های متهم، محترم شمرده شود هرگز فرصت ظهور نخواهد داشت؛ فرایندی که در آن می‌بایست معیارهای قانونی و اصول لازم الرعایه شرعی مورد توجه قرار گیرد و در همین راستا اقدامات اولیه توسط ماموران دستگاه انتظامی به عنوان ضابطین قضایی صورت می‌پذیرد که علاوه بر احاطه به قوانین و مقررات این حوزه، می‌بایست به مفاهیم، معیارها و مصادیق حقوق شهروندی از منظر فقهی مسلط باشند تا در مسیر کشف حقایق، از یک سو مرتکب نقض قوانین و مقررات کشور نشوند و از سوی دیگر نیز، در مظان اتهام‌های مختلف قرار نگیرند.

انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و در ابعاد مذکور تکالیفی نیز بر او واجب می‌شود که در جهت رشد و تکامل اوست. اگر در کاری مفسده است، خداوند انسان را از آن عمل نهی می‌کند و اگر در کاری، خیر وجود دارد انسان را به انجام آن ترغیب می‌کند. پس تمامی دستورات باری تعالی، در جهت تکامل انسان است. از آنجایی که انسان موجود عقلانی و مکلف آفریده شده است پس عقل حکم می‌کند که در قبال تکالیفش از حقوق و امتیازاتی نیز بهره‌مند باشد که نهاد حقوق شهروندی مشتمل بر رفتارهای مدنی، ادب و ملاحظه و نوع دوستی و وظیفه‌شناسی یکی از جلوه‌های حق و تکلیف انسان می‌باشد و در مباحث فقهی این رفتار، وظیفه و تکلیف به عنوان موضوع فقه تلقی می‌شود. زیرا احکام فقهی بر محور احوال مکلفین یا موضوعات خارجی دور می‌زند و به اعمال و اقوال مکلف بر می‌گردد. (صدری، ۱۳۸۲: ۷)

این پژوهش با عنوان « فقه و حقوق شهروندی » درصدد بررسی حقوق طبیعی متهمان بر اساس آموزه‌های فقه اسلام است و فرض بر این است چنان‌چه ضابطین دادگستری تحقیقات مقدماتی را بر اساس مبانی فقه اسلامی پایه‌ریزی نمایند، حقوق متهمان تضمین می‌شود چرا که فقه از یک سو، انسان‌ها را مکلف، مسوول و موظف معرفی می‌نماید و انجام تکالیف را مجرای استیفای حقوق برای ابناء بشر می‌داند و از سوی دیگر، کمال انسانها را غایت آفرینش هستی می‌داند، پس تکامل شایسته‌ی انسان‌ها هنگامی کاملاً به منصفی ظهور می‌-

رسد که در جامعه‌ای قانون‌مدار و متناسب با کرامت و شخصیت خود زندگی کنند. پژوهش حاضر با هدف تبیین حقوق شهروندی (حقوق قضایی) متهمان و مظنونان دستگاه انتظامی و استخراج مصادیق آن از منابع اسلامی، سیره‌ی قضایی ائمه‌ی اطهار (ع) و کتب فقها به رشته تحریر درآمده و محقق در جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و در تحلیل داده‌ها از روش توصیفی-تحلیلی بهره‌برداری نموده و کوشش می‌نماید به مسائل زیر پاسخ داده شود:

آیا در فقه اسلام، به حقوق شهروندی متهمان به مفهوم رایج امروزی آن در جریان رسیدگی و دادرسی کیفری، پرداخته شده است؟  
 تکلیف دستگاه انتظامی، در راستای تامین و تضمین حقوق شهروندی متهمان بر اساس آموزه‌های فقهی چیست؟  
 حقوق شهروندی در فقه:

امروزه حقوق هر کشور، مفهوم حق و چگونگی اجرای آن را معین می‌کند و مبنای حق نیز همان سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می‌دهد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۵۱) که به یک اعتبار به حقوق سیاسی، حقوق عمومی و حقوق خصوصی منقسم می‌شود و بحث از حقوق شهروندی داخل در هر سه شاخه می‌باشد اما با تدقیق نظر در حوزه فعالیت و وظایف دستگاه انتظامی مشخص می‌گردد جلوه‌هایی از حقوق شهروندان که داخل در حقوق خصوصی آنان است، گذرگاه بیشترین تماس و مواجهه ماموران انتظامی بوده و لازم است در این زمینه دقت کافی را برای پاسداری از این حقوق معمول نمایند.

مسلم آن است؛ در برابر هر حق، تکلیفی مقرر شده است و گاهی این تکلیف ناظر به اجرای موضوع حق است و در پاره‌ای از موارد، تکلیفی که در برابر حق ایجاد شده است در احترام به آن و خودداری از تجاوز به حق خلاصه می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۵۱) که در قبال حقوق شهروندی، هر دو وجه این تکلیف جاری است و ماموران انتظامی می‌بایست بر

حسب مورد، به اجرای موضوع حق و یا احترام و خودداری از تجاوز به حق در حیطه‌ی حقوق شهروندی متهمان و مظنونان توجه داشته باشند.

در بادی امر، تقابل ظاهری و ابتدایی میان حقوق شهروندی و وظایف و مأموریت دستگاه انتظامی قابل تصور است به طوری که در منظر برخی از افراد، از قوانین و مقررات متضمن حقوق دفاعی متهمان به عنوان قانون متهمان یاد می‌شود اما آن چه که مهم بوده و نباید از نظر دور داشت این است که؛ شهروندان همواره تحت پوشش قانون قرار دارند، تا حقوق اساسی آنان محفوظ بماند و در صورتی که برچسب مجرمانه به آنان زده شود، از چتر حمایتی قانون خارج نمی‌شوند و این بدان سبب است که کرامت و حیثیت انسان در رتبه‌ای از اهمیت قرار دارد که با انتساب عناوین مجرمانه زایل نمی‌شود گواه این موضوع نیز در اسلام، آموزه‌ها و مبانی دینی و رویه قضاوت‌های ائمه اطهار علیهما السلام است که مطالعه و دقت نظر ماموران دستگاه انتظامی در آن‌ها اهمیت حقوق شهروندی مردم را در شرایط عادی و در سایر شرایط - مقام ظن و اتهام - بر آنان روشن می‌نماید که تضمین کننده حقوق شهروندی مردم می‌باشد.

در فقه از اصطلاح حقوق شهروندی سخنی به میان نیامده است و در صورتی که فقط در حد ظاهر به آن توجه کنیم، می‌توان گفت این مفهوم از مباحث بکر در فقه به حساب می‌آید. لیکن این بدان معنا نیست که این تاسیس حقوقی در منابع فقهی و نظرات فقها، بصورت کامل مغفول مانده و زائیده‌ی بحث و مطالعه‌ی امروز بشر باشد. بلکه موضع اسلام و به دنبال آن، موضع‌گیری فقه در مواجهه با این موضوع یک موضع «تحویل‌گرایانه» است؛ یعنی از ماهیت و محتوای حقوق شهروندی و جلوه‌های آن در غالب احاله به حقوق دیگر نظیر منع تجسس، منع سوءظن، اصل برائت، اصل کرامت و رازپوشی حمایت نموده است بدون آنکه نامی از آن ذکر شود و بررسی فقهی این مباحث، از یک سو، تلاشی است در راستای تبیین مصادیق حقوق شهروندی در حوزه‌ی تحقیقات مقدماتی از قبیل؛ حق سکوت متهم، ممنوعیت شکنجه و آزار و اذیت وی برای کسب اقرار، منع بازداشت متهم و ... و از سوی

دیگر جلب توجه و اهتمام ماموران انتظامی و آگاه‌سازی آنان، که این موضوع‌ها در ادامه از منظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

### حق سکوت:

امروزه در بسیاری از کشورهای جهان نه تنها حق سکوت متهم به رسمیت شناخته شده بلکه پلیس مکلف است پس از احضار یا جلب متهم، علاوه بر استعلام هویت و اعلام صریح اتهام، یادآور شوند که متهم الزامی به پاسخگویی ندارد؛ اما اگر حرفی بزند، ممکن است در صورت جلسه درج گردیده و در ادامه علیه وی استفاده شود. این حق به عنوان یکی از جلوه‌های حقوق شهروندی در راستای آگاهی بخشی به متهم در خصوص اظهارات نسنجیده‌ای است که ممکن است وی بیان نماید امتیازی که در قوانین اساسی و عادی کشورمان تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صورت تصریحی به آن پرداخته نشده است.

با وجود اینکه اختیار سکوت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه مقنن قرار گرفته است<sup>۱</sup> لیکن اعلام حق سکوت<sup>۲</sup> متهم از طرف قاضی یا پلیس به عنوان

۱- بر مبنای ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲؛ متهم می‌تواند سکوت اختیار کند و همچنین بر اساس ماده ۳۹۶ این قانون، رییس دادگاه پس از اعلام رسمیت جلسه رسیدگی به متهم اخطار می‌کند در موقع محاکمه مواظب گفتار خود باشد و پس از آن به دیگر اشخاصی که در محاکمه شرکت دارند نیز اخطار می‌کند مطلبی بر خلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب و نزاکت اظهار نکنند.

- اعلام حق سکوت متهمان از این جهت موجه جلوه‌گر می‌شود که آنان حق دارند، بدانند زمانی که در مقام ۲ متهم یا مظنون قرار می‌گیرند می‌تواند به سوالات پاسخ نگوید و سکوت آنان نیز عواقب کیفری ندارد. پس این استنباط حاصل می‌شود که سکوت متهم در مواعیدی که در اختیار ضابطین قضایی برای انجام تحقیق، مصاحبه و بازجویی قرار می‌گیرد نیز می‌بایست به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی وی مورد احترام قرار گیرد و این حق در صورتی تضمین می‌شود که از یک سو اعلام حق سکوت متهمان به عنوان تکلیف ماموران بازجویی در قوانین و مقررات مربوط مورد نظر قرار گیرد و از سوی دیگر، در منظر ضابطین، فرض سکوت متهم دلیل یا اماره صحت واقعه یا تایید آن تلقی نگردد. چرا که اگر سکوت متهم را به زیان او تفسیر کنیم، خود به خود حق سکوت را از او سلب کرده‌ایم.



تکلیف آنان در نظر مقنن مغفول مانده است. در این میان اگرچه اعلام حق سکوت، توسط قانونگذار تصریح نشده است اما اعلام این حق از سوی ماموران دستگاه انتظامی می‌تواند گامی موثر بر حفظ حقوق شهروندی متهمان در تحقیقات مقدماتی باشد.

در فقه اسلام، مبنای حق سکوت متهم را می‌بایست در مقررات رسیدگی و دادرسی جستجو کرد، فقها در آداب القضاء، این چنین به بحث پرداخته‌اند «هرگاه مدعی، دعوای قابل رسیدگی مطرح نماید از مدعی علیه پاسخ خواسته می‌شود که پاسخ مدعی علیه یا اقرار است یا انکار است و یا سکوت است». (شهید ثانی، بی تا: ۲۴۴؛ لطفی، ۱۳۸۵: ۱۸). البته حق سکوت یک حق ابتدایی برای متهم محسوب می‌شود و از ویژگی حقوق پایدار و مستمر برخوردار نیست. (براری لاریمی و قبولی درفشان، ۱۳۸۹: ۲۶).

در منظر فقها، اگر سکوت مدعی علیه (متهم) به جهت آفت یا بیماری از قبیل کری یا لالی باشد قاضی برای فهمیدن پاسخ او به اشاره مفید یقین متوسل می‌شود هر چند این کار به کمک دو مترجم عادل باشد اما در صورتی که سکوت وی از روی دشمنی و لجاجت باشد زندانی می‌شود تا آنکه جواب دهد و یا پس از ارائه پیشنهاد پاسخ به وی، (به او گفته شود که می‌تواند پاسخ دهد) حکم به نکول او می‌شود.

قاعده‌ی فقهی «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر»<sup>۱</sup> هم از قواعدی است که ریشه در احکام اسلامی دارد و بدین معنی است که هر کسی بر علیه فرد دیگری ادعایی کند باید دلایل و مدارک را لازم برای اثبات ادعای خود ارائه نماید. این قاعده در دعوای حقوقی و کیفری کاربرد فراوانی دارد و وثیقه‌ی حق سکوت متهم است. بخش دوم این قاعده هم این - گونه بیان می‌کند که فرد منکر اتهام یا دعوی، می‌تواند با یک قسم خود را تبرئه نماید که البته این در صورتی است که تمامی شواهد و قراین بررسی شده باشد و اگر هیچ دلیلی ارائه نشد آنگاه فرد می‌تواند با اتیان سوگند خود را تبرئه نماید.

در مباحث فقهی، مدعی کسی است که قول او بر خلاف اصل یا بر خلاف ظاهر است و

۱ - معنی قاعده: آوردن شاهد بر عهده مدعی و سوگند خوردن بر عهده مدعی علیه است.

منکر مقابل اوست. (امینی و آیتی، ۱۳۸۵: ۱۴۵) پس تکلیفی برای اثبات دعوی ندارد و در راستای همین بی تکلیفی، حق سکوت متهم موجه تلقی می شود و الزام و اجبار او به پاسخ دادن جایز نیست.

با تدقیق نظر در مبانی فقهی، سکوت متهم در محضر حاکم شرع به عنوان یکی از حقوق وی، مورد توافق فقها بوده و همان طوری که پیش تر نیز مورد اشاره قرار گرفت، این امتیاز به صورت تصریحی و ضمنی در قوانین موضوعه‌ی ما نیز در مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی به رسمیت شناخته شده است. پس این استنباط حاصل می شود که سکوت متهم در مواعدی که در اختیار ضابطین دادگستری برای انجام تحقیق، مصاحبه و بازجویی قرار می گیرد نیز می بایست به عنوان یکی از مصادیق حقوق شهروندی وی مورد احترام قرار گیرد. و در مجرای کشف حقیقت به جای شکنجه، آزار و اذیت، از روش ها و شیوه های علمی بهره برداری نمایند که در این راستا، ترفند حضرت علی (ع) در اثبات بی گناهی دختری به اتهام زنا، با وجود اماره و نظر کارشناس در انتساب این تهمت به وی (بزرگ شدن شکم و نظریه «لبناء» قابله زنان شهر کوفه مبنی بر باردار بودن دختر باکره) و بهره برداری آن حضرت، از طشت حاوی برف و خروج کرم (علقه) از رحم متهم، موید همین امر است. (رضوانی، ۱۳۹۲: ۱۹۱؛ مجلسی، بی تا: ۲۷۹).

در پایان این مبحث می توان این گونه بیان نمود؛ مبنای اصلی حق سکوت متهم را باید در فرض بی تکلیفی متهم در ارائه ی ادله ی بی گناهی وی جست وجو کرد. بر این اساس، الزام مقام تعقیب به ارائه ی دلیل و عدم الزام متهم به ارائه دلیل بی گناهی اش، وی را از حق سکوت برخوردار می سازد. توضیح آنکه، متهم در پناه فرض یاد شده بی گناه انگاشته شده و مدعی اتهام باید دلایل خود را ارائه کند و ضعف و ناتوانی در ارائه دلایل کافی را نمی تواند با سکوت متهم جبران نماید. در صورتی که مدعی دلایل خود را ارائه کرده و متهم در برابر دلایل مزبور سکوت اختیار کند، مقام قضائی نه بر پایه ی سکوت متهم بلکه براساس دلایل مزبور حکم محکومیت وی را صادر می کند.

ممنوعیت شکنجه و آزار و اذیت متهم برای کسب اقرار:

اقرار از ادله بسیار محکم اثبات جرم به شمار می‌رود؛ اما باید کاملاً اختیاری و به دور از هرگونه اکراه و اجبار صورت گیرد. فقهای امامیه، اقرار ناشی از شکنجه، کتک و ترس را نافذ نمی‌دانند؛ (طوسی، بی تا: ۷۱۸) زیرا یکی از شرایط صحت اقرار، اختیار است که در این حالت مفقود می‌باشد و اقرار متهم در حقیقت، تلقین مامور تحقیق و بازجویی است که بدون قصد انشای متهم ایراد شده است و بنابراین اقرار شفاهی و مکتوب متهم که با روش اعمال شکنجه و اذیت و آزار حاصل شده باطل است.

مستند فقهای امامیه، حدیث امام علی (ع) است که فرمودند: «من اقر عند تجرید او حبس او تخویف او تهدید فلا حد علیه» (صاحب الجواهر، ۱۳۶۲: ۲۸۰؛ گلپایگانی، ۱۳۷۲: ۳۴۵) کسی که در حالت تجرید یا حبس یا ترسیدن یا تهدید اقرار به موضوع حدی کند، حدی بر او ثابت نمی‌شود.

در کلام امیر المومنین علی (ع) در خطبه ۱۶۷ در خصوص تبیین ویژگی‌های مسلم و حرمت آزار و اذیت مسلمانان این چنین آمده است<sup>۱</sup>:

«مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر، از زبان و دست او آزاری نبینند، مگر آنجا که حق باشد، و آزار مسلمانان روا نیست جز در آن چه واجب باشد». در این کلام گهربار، آزار و اذیت و شکنجه تحریم شده است و تعرض به متهمان و زدن و آزار و اذیت آنها به مجرد طرح اتهام علیه آنان موجب عدم احساس امنیت اجتماعی می‌شود. پس تا زمانی که مجوزی برای کیفر وجود نداشته باشد اعمال مجازات جایز نیست و در فرض وجود جواز باید کیفیت و کمیت آن نیز مورد توجه قرار گیرد.

امام علی (ع) در سال ۳۸ هجری در نامه به مالک اشتر از وی می‌خواهد از عمق دل خویش، مردم را دوست داشته باشد و برای آنان هم‌چون درنده‌ای نباشد...؛ چون آنها دو صنف

۱ - «فالمسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده الا بالحق ولا يحل اذى المسلم الا بما يجب»

هستند، یا برادر دینی و مسلمان‌اند و یا در خلقت مانند تو انسان‌اند<sup>۱</sup>. سخن و سفارش امام علیه‌السلام در نفی تفکر نژادپرستی است که از مصادیق بارز توجه به حقوق شهروندان در نظام حکومت‌داری آن حضرت به شمار می‌آید.

نه تنها حقوق متهمین بلکه حقوق مجرمین نیز در حکومت علوی مورد توجه آن حضرت بوده؛ به طوری که پس از اجرای حد سرقت در خصوص تعدادی سارق که برای بار اول مرتکب سرقت حدی شده‌اند، آن حضرت دستور می‌دهد که سارقان وارد مهمان‌خانه شوند تا دست آنان معالجه شود و با روغن و گوشت و عسل نیز اطعام شوند.<sup>۲</sup> (حرعاملی، بی‌تا، ۳۰۱).

قرآن کریم، هر گونه ظلم و ستم، ایذا و آزار، توهین و تمسخر، حتی در حد ایما و اشاره را ممنوع و حرام دانسته و مومنان را به رعایت حدود الهی ملزم می‌سازد و هر اقدامی را که خارج از مرزهای تعیین شده از سوی شارع مقدس، انجام شود به رسمیت نمی‌شناسد و آن را موجب کیفر می‌داند. شکنجه از مظاهر تمام و کمال ایذاء، ظلم و ستم است و بر این مبنا، دلالت آیات و حتی روایات، رکن قانونی جرم انگاری شکنجه را تامین می‌نماید. (قاسم، ۱۳۸۷: ۷۵).

شرافت و کرامت طبیعی انسان، کرامتی ذاتی است که خداوند همه انسان‌ها را از آن برخوردار نموده و انسان به واسطه‌ی انسان بودن، دارای کرامت، شرف، عزت و حرمت است. (صداقت، ۱۳۸۹: ۱۸) نزدیکی و قرابت آدمی به خداوند جلّ و علا و اعتقاد به کرامت و ارزش والای انسان، به حقوق بشر در نظام اسلامی موقعیت برجسته و ممتازی

۱ - فرازی از نامه شماره ۵۳: «...فانهم صنفان: إما أخ لك في الدين وإما نظير لك في الخلق»

أَيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ بَقَوْمٍ لُصُوصٍ قَدْ سَرَقُوا فَقَطَّعَ أَيْدِيَهُمْ مِنْ نِصْفِ الْكَفِّ وَ تَرَكَ الْإِبْهَامَ : - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ 2  
وَ لَمْ يَقْطَعْهَا وَ أَمْرَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَى دَارِ الضِّيَافَةِ وَ أَمْرٌ بِأَيْدِيَهُمْ أَنْ تُعَالَجَ فَأُطْعِمَهُمُ السَّمْنَ وَ الْعَسْلَ وَ اللَّحْمَ ...

بخشیده است (صادقی، ۱۳۸۰: ۴). خداوند بزرگ و بلندمرتبه در رابطه با کرامت ذاتی و مقام و ارزش انسان در آیهی ۷۰ سوره اسرا می‌فرماید: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم».<sup>۱</sup>

احترام به عزت و شخصیت افراد در محیط اجتماعی از علایم بارز رشد عمومی و یکی از ارکان اساسی سعادت و خوشبختی اجتماع است. این موضوع از درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که خداوند در قرآن، عزت مومنین را در ردیف عزت خود و عزت پیغمبر گرامی خود به حساب آورده است:<sup>۲</sup> (قرآن کریم، منافقون: ۸) و به افرادی که مردان و زنان مومن را آزار نموده و از این کار نادم و پشیمان نگردیده و توبه نمایند عذاب سوزان جهنم را وعده داده است:<sup>۳</sup> (قرآن کریم، بروج: ۱۰)

بر اساس قاعده فقهی «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» چیزی به جز ادای سوگند بر عهده‌ی مدعی علیه نیست و شکنجه او در هیچ زمانی و در هیچ اتهامی برای اخذ اقرار جایز نمی‌باشد.<sup>۴</sup>

۱- «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»

۲- (و لله العزه و لرسوله و للمومنين.)

۳- (إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ)

۴- ابو بصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «عن ابی عبدالله علیه‌السلام قال: ان الله حکم فی دمانکم بغیر ما حکمبه فی اموالکم، حکم فی اموالکم ان البینه علی المدعی و الیمین علی المدعی علیه. و حکم فی دمانکم ان البینه علی المدعی علیه و الیمین علی من ادعی لئلا یبطل دم امرئ مسلم» خداوند در دماء شما مسلمانان بر خلاف امواتان حکم نموده است. در مورد امواتان حکم نموده است که بینه وظیفه مدعی و سوگند وظیفه مدعی علیه است. در حالی که در مورد دماء شما (در مساله قتل) حکم کرده است که بینه وظیفه مدعی علیه و سوگند وظیفه مدعی است. این (یعنی حکم مختص در دماء) به خاطر آن است که خون مسلمان پامال

اصالت بخشیدن به اجتماع و مصالح حکومت، در منظر بعضی از افراد، مبنا و محملی برای نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های فردی است. از این رو هنگامی که تعارضی میان منافع دولت با مصالح انسانی مانند احترام به حقوق و آزادی‌های فردی پیش می‌آید، از انکار حقوق افراد ابایی ندارند که این امر ممکن است در نظر برخی از ماموران انتظامی در راستای اخذ اقرار از متهمین و مظنونین، به اشکال مختلف از قبیل چشم‌بند زدن به زندانی در محیط زندان و یا بازداشتگاه، بی‌خوابی دادن به زندانی و بازجویی در شب، فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، نگهداری زندانی به صورت انفرادی، فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده وی، ممانعت از ملاقات متهم با وکیل و ... جلوه گر شود. تحقیقاً این افراد مشمول عذاب الهی در روز قیامت بوده و وعده‌ی آن را رسول اکرم (ص) داده و می‌فرمایند: «همانا خداوند بزرگ، روز قیامت کسانی را که مردم را در دنیا، عذاب داده‌اند، عذاب می‌کند»<sup>۱</sup> (میرزایی، ۱۳۸۵: ۴۰۰).

بدیهی است که ظاهر فرمایش آن حضرت (ص) از آزارهای به حق، به آزارهایی مانند قصاص، حدود و تعزیرات شرعی منصرف است با وجود این، مرجع صالح برای تعیین کیفر و عذاب (آزارهای به حق و قانونی) ماموران ضابط نیستند و اصولاً آزار متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، آزار به حق تلقی نمی‌شود و از این حیث دستاویز و محملی برای ضابطین در گزینش و اعمال چنین اقداماتی تلقی نمی‌گردد و اقدامات ایزدایی آن‌ها توجیه پذیر نیست.

ظابطان دادگستری به منظور کشف حقایق و واقعیت‌های مربوط به پرونده‌های اجرائم ارتكابی نباید بر متهمان سخت‌گیری نمایند؛ زیرا در احادیث و روایات، سخت‌گیری بر

---

نشود. نک: حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا): وسائل الشیعة، ج ۲۹، قم: موسسه آل بیت علیهم السلام لاحیاء التراث ص ۱۵۳.

۱ - رسول اکرم (ص): "ان الله تعالى يعذب يوم القيامة الذين يعذبون الناس في الدنيا"

بندگان خداوند، هم ردیف شرک به خداوند و در نزد پروردگار مغبوض‌ترین اعمال است<sup>۱</sup> (مجلسی، بی تا: ۵۴) و از یک سو عزت‌مندی مومنان در گروهی عدم اذیت و آزار مردم می‌باشد<sup>۲</sup> (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۶) و از سوی دیگر، مدارا کردن با مردم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که پیامبران الهی به این امر (مدارا کردن) مامور شده‌اند.<sup>۳</sup> (طوسی، بی تا: ۵۲۱؛ کلینی، بی تا: ۳۰۴) وقتی در احادیث و روایات، به رفق، مدارا، آسان‌گیری با مردم، این همه توصیه شده و حرمت و قداست انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است، نباید توصیه احادیث و روایات را تنها مربوط به رفتارها و امور شخصی بدانیم، بلکه بر مناسبات عمومی و روابط دستگاه‌های حکومتی با مردم نیز حاکم است.

ممنوعیت بازداشت غیرقانونی متهم:

بازداشت به معنای منع، ممانعت، جلوگیری، توقیف و حبس آمده است (معین، ۱۳۷۵: ۴۵۴)<sup>۴</sup> و در اصطلاح بازداشت به معنی سلب موقت آزادی تن یا مال اشخاص به دلایل قانونی و به دستور مقام صلاحیت‌دار است. بازداشت به معنی حبس نیست چون حبس شخص به صورت قانونی و در زمان مشخص و به حکم نهایی و قطعی دادگاه به عمل می‌آید.

در فقه اسلامی، بازداشت متهم امری نامشروع است؛ زیرا در اسلام حکمی که موجب سلب آزادی افراد بدون دلیل شود، (غیر از موارد استثنا) تشریح نشده و بنا به روایاتی، پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) در موارد محدود به این عمل اقدام کرده‌اند.

امام علی (ع) در پی شکایت یک جوان به قاضی شریح در پی اتهام به دو مرد برای کشتن پدرش در حین سفر، دستور تحت نظر بودن آن دو نفر (پشت ستون مسجد و به صورت جداگانه) را صادر می‌کند؛ این درحالی است که امام علی (ع) در این مسأله به حکم حضرت

۱ - قال رسول الله (ص): ما من عمل احبّ الی الله تعالی و الی رسوله من الایمان بالله و الرفق بعباده، و ما من عمل ابعض الی الله تعالی من الأشراک بالله تعالی و العنّف علی عباده

۲ - قال ابی عبدالله علیه السلام: «شرف المومن صلاته باللیل وعزه کف الاذی عن الناس»

۳ - قال رسول الله (ص): «أنا أمرنا معاشیر الأنبیاء بمداراة الناس، كما أمرنا بإقامة الفرائض»

۴ - معین، محمد؛ فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵، چ نهم، ص ۴۵۴.

داود در مورد مشابه اشاره می‌کند که حضرت داود در عین علم به ارتکاب جرم توسط متهم، او را بازداشت کرد؛ امام علی (ع) نیز برای احقاق حق اولیای دم، با بازجویی از آنها و با استفاده از یک ترفند کاملاً حکیمانه (ذکر تکبیر و به دنبال آن نیز مردم اله اکبر سر دادند) موجب اعتراف آن دو به قتل پدر آن جوان شاکی شدند. (رضوانی، ۱۳۹۲: ۱۶۷-۱۶۸). در این روایت امام (ع) در مقام استنطاق و قضاوت، با اعمال شرایط عادی مبادرت به بازداشت و نگهداری متهمان می‌نماید و بدون آزار و شکنجه آنها موفق به اخذ اقرار در رابطه‌ی با انجام قتل توسط آن دو می‌شود.

نعمان بن محمد ابن حیون در کتاب دعائم الاسلام به نقل از امیرالمومنین علی (ع) نقل می‌کند: «در هیچ اتهامی، به جز اتهام قتل متهم زندانی نمی‌شود؛ زیرا زندانی کردن فرد متهم پس از آشکار شدن حق ستم و ظلم است». (ابن حیون، بی‌تا: ۵۳۹). در رابطه با بازداشت متهم به قتل، پنج قول وارد شده است که مهم‌ترین آن منسوب به شیخ در النهایه می‌باشد که بازداشت شش روزه متهم به قتل را تصریح نموده و استنادیه وی نیز حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است که سکونی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام فرمود: پیامبر (ص) متهم به قتل را شش روز زندانی می‌کرد، اگر اولیای دم با بینه قاتل بودن او را اثبات می‌کردند حکم جاری می‌شد و در غیر این صورت متهم را آزاد می‌کرد. شهید اول در قاعده ۲۱۷ در مقام بیان موارد حبس متهم، یکی از موارد جواز حبس را تهمت قتل بیان می‌کند و مدت آن را نیز شش روز عنوان کرده است. (والمتهم بالدم، سته ایام). (محمد بن مکی، بی‌تا: ۱۹۳؛ کلینی، ۱۳۶۲: ۳۷۰؛ ابن فهد حلی، ۸۴۱: م ۲۰۹)<sup>۲</sup>

مهم‌ترین نکته در ارتباط با تحمل مخالفان در حکومت نبوی، داستان افک و بهتان نسبت به همسر رسول خداست که مهم‌ترین حادثه شخصی و خانوادگی و جمعی برای پیامبر

۱ - و عن علی ع انه قال: لا حبس فی تهمة الا فی دم و الحبس بعد معرفة الحق ظلم.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ أَلْتَبَى ص كَانَ يَحْبَسُ فِي تَهْمَةِ الدَّمِ سِتَّةَ أَيَّامٍ فَإِنْ جَاءَ أَوْلِيَاءُ الْمُقْتُولِ بِبَيِّنَةٍ وَإِلَّا خَلَّى سَبِيلَهُ .



صلی الله علیه و آله وسلم بود. اما آن حضرت به سبب این کار، هرگز بر یهودیان و منافقان سخت نگرفت و حکم به دستگیری و بازداشت آنان نداد تا این که آیه بر تبرئه عایشه نازل شد. (ایمانی سطوت، ۱۳۸۵: ۲۱۰).

بر اساس قاعده فقهی "غلبه"؛ «الظن يلحق الشيء بالاعم الاغلب» در روابط میان انسان‌ها باید به امور غالب توجه داشت و نه به امور نادر؛ زیرا چنانچه اصل بر امور غالب قرار نگیرد، در روابط میان مردم اختلال ایجاد می‌شود بر اساس این قاعده، اصل برائت حاصل می‌شود؛ زیرا در روابط عادی بین شهروندان، هیچ یک از افراد مجرم شناخته نمی‌شوند مگر اینکه جرم آن‌ها در دادگاه ثابت گردد و عدم پذیرش اصل برائت یا نادیده گرفتن آن، منجر به طرح ادعاهای واهی در روابط بین افراد می‌شود در حالی که پرداختن به موضوعات، پیش از آشکار شدن و اعیان شدن آن‌ها منجر به فساد و تباهی می‌گردد<sup>۱</sup> (ابن شعبه، ۱۳۶۲: ۴۵۷؛ لجنه التالیف، ۱۴۲۷: ۲۳۹) و نباید بر اساس قرائن ضعیف، حق آزادی افراد به صورت خودسرانه محدود گردد.

یکی دیگر از قواعد فقهی که زمینه اصل برائت می‌باشد قاعده‌ی «الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدْعَى وَ الْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ» است که پیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت. بر این مبنا، بار اثبات دعوی به عهده مدعی است و از متهم دلیل بر بی‌گناهی‌اش مطالبه نمی‌شود. این مدعی است که باید خلاف اصل را (اتهام و جرم) ثابت کند و در صورت ارائه دلیل و سکوت متهم از روی عناد و سرکشی، حکم بازداشت وی صادر می‌شود. بنا بر نظر فقهای مذاهب اسلامی و حکم این قاعده، مشخص می‌گردد که در اصل مشروعیت و مجاز بودن حبس (در موارد معین آن) تردیدی وجود ندارد.

کرامت ذاتی انسان‌ها از آن جهت است که انسان خلیفه‌ی خداوند است؛ مقام ذاتی خلافت الهی چیزی نیست که با افعالی چون فساد و خونریزی نفی گردد. این‌ها امور عارضی هستند که به مقام خلافت الهی انسان، خللی نمی‌رسانند؛ زیرا هنگامی که خداوند با فرشتگان در-

<sup>۱</sup> - قال امام جواد (ع): إظهارُ الشيءِ قَبْلَ أَنْ يُسْتَحْكَمَ مَفْسَدَةٌ لَهُ.

خصوص گماردن خلیفه در زمین سخن می گوید: «اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خلیفه» فرشتگان به پرسش و اعتراض برخاسته می گویند: «اتجعل فيها من یفسد فیها و لیسفک الدما»؛ خداوند در پاسخ می فرماید: «انی اعلم ما لاتعلمون»، چنین پاسخی بیانگر این حقیقت است که مقام ذاتی جانشینی و خلافت الهی با افعالی از قبیل فساد و خونریزی نفی نمی گردد. (قربانی، علی و موحدی، جعفر ۱۳۹۱ به نقل از رحیمی نژاد، ۱۳۸۷). در این ارتباط این موضوع با اهمیت، قابل استنباط است؛ وقتی که سفک دماء، آسیبی به مقام خلیفه الهی انسان وارد نمی نماید؛ به طریق اولی، بر چسب های اتهام وارده بر شهروندان نیز از این بحث خارج نیست. پس ماموران دستگاه های انتظامی و قضایی می بایست مراقبت نمایند که مبادا به کرامت ذاتی افراد لطمه و خسارتی وارد گردد.

امروزه مصالح و منافع ملی و حفظ ثبات و صلح و آرامش و الزام قوانین آمره،<sup>۱</sup> اعمال بازداشت بعضی از افراد را در اتهام هایی به غیر از قتل اجتناب ناپذیر می نماید از طرفی بر اساس حدیث نبوی فقط در مورد اتهام به قتل مجوز بازداشت صادر شده است. در مقام رفع تعارض قاعده حفظ نظام که مبتنی بر جواز بازداشت متهم در سایر اتهام ها است با مفاد حدیث نبوی، می توان گفت در صورتی که موضوع اتهام در اهمیت به اندازه قتل باشد بازداشت متهم منعی ندارد

امروزه سخت گیری در صدور قرار بازداشت موقت متهم<sup>۲</sup> به منظور حفظ حقوق اساسی مردم، اجرای عدالت و جلوگیری از وقوع توالی فاسد صورت می گیرد؛ زیرا با بازداشت

۱ - اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

۲ - مستفاد از ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صدور قرار بازداشت موقت متهم در جرایم خاص مورد اشاره در ماده قانونی مذکور در صورتی امکان پذیر است که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت نماید.

غیرقانونی، متهم از اساسی‌ترین حقوق خود که آزادی است، محروم می‌شود. هم چنین این امر می‌تواند موجبات هتک حرمت و خدشه به حیثیت متهم و خانواده او را فراهم نماید. (مصدق، ۱۳۹۳: ۲۸۹). پس باید این مهم با مجوز صادره از سوی مقامات قضایی صالح صورت گیرد تا حقوق متهمان محفوظ بماند و در مجرای تضمین این حقوق، ارتقای دانش قضایی ضابطین دادگستری در زمینه خود کنترلی آنها و انصراف از اقدامات غیر قانونی و غیر شرعی بسیار مهم ارزیابی می‌شود.

ممنوعیت سوءظن و تجسس در احوال افراد:

قرآن کریم در نهی از حرمت شکنی در قالب منع سوءظن و تجسس در اوضاع و احوال افراد می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و جاسوسی نکنید و برخی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ قطعاً از آن کراهت دارید از خدا بترسید که خدا توبه پذیر مهربان است.» (قرآن مجید، حجرات: ۱۲) گمان درباره‌ی دیگران، ورود به حوزه‌ی خصوصی آنهاست و ره‌آورد آن شکسته شدن کرامت انسانی است. آیه شریفه به طور مطلق هرگونه تجسس که ناظر به روابط مسلمانان با یکدیگر را نهی می‌کند؛ زیرا در پی این جستجو، بسیاری از چیزهایی که با شخصیت بیرونی افراد در تضاد است برای مردم آشکار می‌گردد و انسان‌ها در نگاه افراد دیگر جامعه خوار و بی‌مقدار می‌شوند. (سلطانی، ۱۳۸۵: ۳۷). سوءظن و بدگمانی، آثار فردی، اجتماعی و معنوی زیانباری به دنبال دارد و به همین دلیل در دین مقدس اسلام، به آن توجه ویژه‌ای شده و اهل ایمان را سخت از آن برحذر داشته‌اند. ممنوعیت بدگمانی به دیگران در مطلع آیه یاد شده، به خاطر این است که سوءظن و بدگمانی، سرچشمه گناهان بزرگی چون تجسس از اوضاع و احوال دیگران، غیبت، تهمت،

۱ - «یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لایغتب بعضکم بعضاً  
 یحب احدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً فکرموه و اتقوا الله ان الله تواب الرحیم.»

حسادت و کینه‌توزی نسبت به دوستان و اهل ایمان می‌گردد.

سوءظن در کلام امیر المومنین (ع) آفت دین است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۴۹۷) آن حضرت در بیان اوصاف مومن می‌فرماید: خنده روی است و گشاده رو، نه ترشروی و تجسس‌کننده. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۵۵۵).

تجسس و تفتیش در منظر پیامبر اکرم (ص) نیز منع شده و می‌فرماید: من مأمور نیستم از نهان و پنهان مردم جستجو کنم.<sup>۱</sup> (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۲۰۶) و به لحاظ اینکه گمان، دروغ‌ترین سخن است، توصیه ایشان بر دوری‌گزینی از ظن و گمان است و از جستجو و کشف سخنان مردم نیز نهی نموده‌اند.<sup>۲</sup> (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۲۰۶) آن حضرت، ایمنی و محافظت فرد را نتیجه‌ی دوری‌گزیدن از بدگمانی نسبت به مردم بیان می‌نماید. (میرزایی، ۱۳۸۵: ۳۹۶).

در منابع اسلامی در کنار منع تجسس، به موارد جواز آن نیز اشاره شده است، این مهم نیز در نظر امام علی (ع) مغفول نمانده و ایشان در عهدنامه مالک اشتر به وی فرمان می‌دهند کارهای کارگزارانش را بررسی کند و جاسوسانی (بازرسانی) راستگو و وفادار برای نظارت بر آنان بگمارد. (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۷۸) مفاد عهدنامه و حدیث نشان می‌دهد؛ یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت، اطلاع یافتن از رویه‌ی عملکردی مسئولان و کارگزاران حکومتی و نظارت بر آنان است تا درباره انجام یافتن وظایف واگذار شده اطمینان حاصل شود.

از آنجا که حفظ نظام جامعه‌ی اسلامی در برابر تهدیدات نظامی دشمنان از مهم‌ترین مصالح به شمار می‌رود، در جواز و ضرورت تجسس تردید نشده و قاعده فقهی «لزوم تقدیم اهم بر مهم» نیز دلالت بر این جواز دارد؛ به مقتضای این قاعده، در معارضه دو مصلحت، همیشه مصلحت اهم (مهم‌تر) مقدم بر مهم می‌شود؛ از این رو، در جایی که امر

۱ - رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: (انِي لَمْ أَوْمِرْ أَنْ أَنْقِبَ عَنْ قُلُوبِ النَّاسِ وَلَا أَشُقَّ بَطُونَهُمْ)؛

۲ - رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا. (کنز العمال، ج ۳، ش ۵۳۰۵۱)

بین تجسس حرام و حفظ نظام و یا ممانعت از هرج و مرج دایر شود، حفظ نظام که اهمّ واجبات است بر حفظ حرمت دیگران مقدم می‌شود. (پایگاه علمی پژوهشی عالمون، بی تا). بدین ترتیب، در مواردی از قبیل مراقبت از تحرکات نظامی دشمنان بیگانه، مراقبت از فعالیت‌های مخالفان و معاندان داخلی و جاسوسان، نظارت بر کارگزاران حکومت و نحوه عملکرد آنان، تجسس جایز و حتی واجب می‌شود. (سبحانی تبریزی، بی تا: ۵۴۲).

ممنوعیت ورود به منزل و مسکن افراد:

مسکن افراد، به عنوان یک حق و حریم خصوصی است که حق خلوت انسان بوده و در شریعت اسلام بر حفظ حرمت مسکن افراد در آیات قرآن، روایات و احادیث تاکید فراوان شده است و مراد از این حریم، آن است که چنانچه کسی بدون اجازه صاحب منزل یا اجازه قانون، قصد ورود به این حریم را داشته باشد، از ورود وی ممانعت به عمل آید. که حرمت ورود بدون کسب مجوز به مسکن افراد در آیه ۲۷ سوره نور مورد تاکید قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

قاعده‌ی فقهی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» که از احادیث پیامبر (ص) تاسیس شده از زمان‌های دور تا معاصر مورد توجه فقها بوده و روایات متعددی در خصوص کاربردهای این قاعده در زمینه‌ی میراث، حق شفعه در زمین و مسکن، دیوار همسایه، مجرای آب نخل و مسکن افراد وارد شده است. (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲۱۱). اما کاربرد این حدیث در حمایت از حریم خصوصی منازل اشخاص با توجه به حدیث نبوی «حرمة مال مسلم كحرمة دمه» بیشتر معلوم می‌شود. اگر چه اسلام برای اموال افراد احترام قائل است و ضمن حمایت از مالکیت خصوصی، به مسلمانان توصیه می‌کند از اموال خویش دفاع نمایند، در جایی که مالک

<sup>۱</sup> - در زمان اعراب جاهلی اجازه گرفتن در ورود به منازل رسم نبوده و قرآن کریم با نزول آیه ۲۷ سوره نور این رسم غلط را نسخ نموده و می‌فرماید: «ای اهل ایمان! به خانه‌هایی که منزل شما نیست، وارد نشوید، مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید».

بخواهد با نقض حریم خصوصی دیگران به اموال خود سرکشی نماید با اقتدار از چنین عملی جلوگیری می‌نماید. (شهباز قهفرخی، ۱۳۹۱: ۹۷). داستان قطع درخت مالک (سمره بن جندب) که در ملک شخص دیگری واقع شده بنا به حکم رسول الله (ص) در پی ایجاد مزاحمت برای صاحب ملک، نشانگر اهمیت حریم منزل اشخاص در منظر ایشان می‌باشد. (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۲۱۳)

در اهمیت حرمت مسکن افراد، همین بس که امام علی (ع) ماذنه‌ی مسجد را به سبب اشراف بر منزل مردم تخریب کرد و فرمود: «انه رای مئذنه فامر بهدمها و قال لا یوذن اکثر من سطح المسجد» بالاتر از بام مسجد اذان گفته نشود آن حضرت ماذنه‌ی مسجد را به دلیل آنکه تجاوز به حریم خصوصی افراد است جایز نمی‌داند و دستور تخریب آن را صادر می‌نماید. (ابن حیون، بی تا: ۱۴۷)

تاکید بر پرده پوشی و ممنوعیت افشای سر:

در مناسبات اجتماعی، گاهی ممکن است دیگران مطالبی را با ما در میان بگذارند و یا اینکه انسان خود، به‌طور خواسته و یا ناخواسته به برخی از اسرار زندگی دیگران پی ببرد که در ابعاد اخلاقی و تکلیفی، ملزم به پرده‌پوشی آنها هستیم و اجازه نداریم اسرار زندگی، شغلی، حرفه‌ای و ... کسی را برای دیگران بازگو کنیم. در احادیث اسلامی نیز درباره رازداری و ترک افشای سرّ تعبیرات گوناگونی دیده می‌شود؛ تا آنجا که اسرار دیگران به منزله امانت-های آنها شمرده شده و افشای آن به‌عنوان خیانت در امانت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۶۲)

حرمت حریم خصوصی در زمینه اسرار و اطلاعات مردم از قبیل اسرار شخصی، خانوادگی، حرفه‌ای و ... تامین کننده آسایش، آرامش و شادمانی شهروندان است به گونه‌ای که کتمان سرّ در منظر امیر مومنان علی (ع)، شادمانی انسان است و در صورت فاش شدن، هلاکت و نابودی آنها را به همراه دارد.<sup>۱</sup> که این موضوع، نه تنها سلب آسایش یک انسان است بلکه

۱- امام علی (ع): «سرّ سرورک این کتمته، و إن أذعته کان ثبورک»

سبب از بین رفتن آرامش، امنیت و رفاه سایر افراد جامعه نیز خواهد شد. پرواضح است حکومت‌ها همواره در تلاش هستند تا پیشرفته‌ترین تجهیزات و امکانات را برای رفاه هر چه بیشتر مردم خود فراهم آورند ولی چنان چه فن‌آوری و تکنولوژی‌های نوین به ویژه در حوزه ارتباطات در خدمت مطامع حکمرانان قرار گیرد و به انحای مختلف موجبات نقض حریم خصوصی افراد فراهم گردد آسایش، آرامش، امنیت و رفاه مردم سلب گردیده و در این حالت میان حقوق فردی و جمعی، دولت و شهروندان از یک سو و حریم خصوصی اطلاعات و اسرار افراد تعارض ایجاد خواهد شد که تعیین مرزهای صحیح قانونی بین آنها دارای اهمیت حیاتی می‌باشد که می‌بایست همواره مورد توجه قرار گیرد. (محسنی، ۱۳۸۴: ۷۵)

محافظت از حریم خصوصی افراد به ویژه در حوزه‌ی اسرار از مهمترین حقوق فردی به حساب می‌آید زیرا با حیثیت و شخصیت آنان عجین است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد<sup>۱</sup> لیکن بعضاً تعارض میان دانستن و ندانستن در حوزه حکمرانی پیش می‌آید که حکایت از تراحم دو حق دارد؛ از یکسو حق فرد ایجاب می‌نماید که اسرارش مکتوم بماند و دیگران از آن مطلع نگردند و یا به عبارتی «ندانند» و از سوی دیگر حق جامعه ایجاب می‌نماید که بر اطلاعات شخصی فرد دست یابد و به عبارتی «بداند» (همان، ۷۰) قوانین و مقررات ج.ا.ا. ایران صراحتاً حدود این حقوق را از یکدیگر تفکیک ننموده بلکه صرفاً در پاره‌ای از موارد یکی را ترجیح داده است. بر این اساس، مهمترین موارد تجویز شده از طرف قانون شامل موارد ذیل است:

بدیهی است موضوعی که مورد تاکید و سفارش باشد، آسیب و لطمه به آن موضوع نیز

۱ - توسعه روز افزون تکنولوژی و فناوری، ضرورت اهتمام به این موضوع را بیش از پیش نموده است؛ زیرا امنیت و آسایش روانی افراد در جامعه این است که بدانند اسرار آنان و حریم شخصی‌شان در زمینه‌های گوناگون بویژه اطلاعات شخصی از تعرض سایرین مصون می‌باشد.

ناپسند شمرده می‌شود. امیر مومنان علی (ع) می‌فرمایند: کتمان کننده راز با وفا و امین است<sup>۱</sup> و در مقابل کسی که رازی را به او سپرده‌اند اگر افشا کند خیانتکار شمرده می‌شود.<sup>۲</sup> (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸: ۵۱۷) و در جایی دیگر می‌فرمایند: افشاگری خوی بیگانگان است. (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸: ۴۵۰) و زشت‌ترین خیانت‌ها فاش کردن راز دیگران است.<sup>۳</sup> (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸: ۴۵۱). و آن حضرت رازداری را مایه‌ی تمام خیر دنیا و آخرت و افشای آن را تمام بدی می‌داند.<sup>۴</sup>

امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر در ضرورت رازداری می‌فرمایند: از رعیت، آنان را که عیب جوترند از خود دور کن؛ زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی. (دستی، ۱۳۷۹: ۵۶۸) بنابراین بر امت اسلامی و بر رهبران و مدیران جامعه اسلامی واجب است که اسرار و اطلاعات شخصی افراد را حفظ کرده و رازدار باشند.

همان طوری که از این احادیث حاصل می‌شود، در فقه اسلام، بر حفظ اسرار خود و اطرافیان تاکید شده و پنهان داشتن راز، موجبات خیر دنیا و آخرت را فراهم می‌نماید. پس ماموران انتظامی در انجام ماموریت‌های محوله می‌بایست دقیق عمل نمایند و در مواجهه با اطلاعاتی که شخصی تلقی می‌شود و ارتباطی با اتهام ارتكابی افراد ندارد و در پرونده اتهامی نیز غیر موثر است کنجکاوی و کنکاش ننمایند.

نتیجه‌گیری:

اثبات کرامت انسانی، از مهم‌ترین آموزه‌های وحیانی مشترک ادیان الهی است و منشا حقوق

۱- امام علی (ع): «کاتم السِّرّ وفیّ امین 4/633. کتمان کننده راز با وفا و امین است.»

۲- امام علی (ع): «من أفضی سرّاً استودعه فقد خان 5/268. کسی که رازی را به او سپرده‌اند اگر افشا کند خیانت کرده است.»

۳- امام علی (ع): اقبیح الغدر اذاعه السر :

۴- امام علی (ع): «جمع خیر دنیا و الآخرة فی کتمان السرّ ومصادقه الاخیار و جمع الشر فی الازاعه و مواخاه الاشرار».



در ابعاد جسمانی و روحانی، فطرت انسان‌ها است؛ چراکه این امر، انسان را از ارتکاب گناهان و تعدی به حقوق دیگران باز می‌دارد. از این رو توجه به تعالیم الهی نقش موثر آنها را در شکل‌دهی، قوام و پایداری حقوق شهروندی روشن می‌نماید.

ضابطان دادگستری در انجام فعالیت‌هایی از قبیل تحقیق، بازجویی، مصاحبه و ... که در راستای جمع‌آوری ادله قابل استناد به عمل می‌آید می‌بایست مصونیت زندگی خصوصی متهم و تامین حقوق شهروندی وی به دقت مورد توجه قرار دهند، زیرا کوچک‌ترین مسامحه در جمع‌آوری ادله و کشف جرم موجب تضییع حقوق و آزادی‌های اساسی متهم می‌شود.

حقوق شهروندی متهمان در مواعدی که در اختیار ضابطین دادگستری برای انجام تحقیق، مصاحبه و بازجویی قرار می‌گیرد بر اساس حکم آیات، روایات و قواعد فقهی می‌بایست مورد احترام قرار گیرند و ماموران دستگاه‌های قضایی و انتظامی در مجرای کشف حقیقت به جای شکنجه، آزار و اذیت، از روش‌ها و شیوه‌های علمی بهره‌برداری نمایند؛ علومی مثل تشخیص هویت ژنتیکی و استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و ... در جهت شناسایی متهمان و فعالیت‌های سوء آنان به حدی موثر است که ضریب اطمینان بالایی را در زمینه کشف دقیق و سریع جرم ایجاد می‌نمایند در راستای ضرورت رعایت حقوق متهم در مرحله کشف جرم نباید پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک غیراصولی و غیرانسانی و شیوه‌های غیر اخلاقی مورد استفاده ضابطان قضایی قرار گیرد.

انسان در منظر فقه اسلام، مکلف شناخته شده و رسالت وی نیز در ادای تکالیفش خلاصه می‌شود و انجام مطلوب این تکالیف، مرهون دانایی (تفقه) وی در دین بوده که مورد تاکید ائمه اطهار (ع) نیز می‌باشد. بنابراین در صورتی که زیربنای آموزه‌های حقوق شهروندی در حوزه فعالیت ضابطین، بر اساس آیات، روایات، اصول و قواعد فقهی شکل گیرد، ضابطان قضایی از عقاید کهنه، سلیقه‌ای و غیر سازنده خود رها شده و توجه و اهتمام و مواظبت از حقوق مردم در نظر آنان به یک باور دینی تبدیل می‌شود که ره‌آورد آن تضمین حقوق

شهروندی متهمان و وابستگان آنها می باشد.

فهرست منابع:

۱- قرآن کریم

۲- نهج البلاغه

۳- صدری، سید محمد (۱۳۸۲). مبادی فقه، تهران: انتشارت دانشگاه پیام نور.

۴- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). مقدمه علم حقوق، تهران: ناشر شرکت سهامی انتشار.

۵- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۲). تحف العقول، ج ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی

التابعه لجماعه المدرسين

۶- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹ پ). میزان الحکمه، ج ۳، قم: موسسه علمی فرهنگی

دارالحديث.

۷- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۱ ق). الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۱، قم،

مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی.

۸- براری لاریمی، محمد و قبولی درافشان، سید محمد تقی (۱۳۸۹). حقوق متهم با رویکرد

فقهی، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۲، ش ۲.

۹- امینی، علیرضا و آیتی، سید محمدرضا (۱۳۸۵). تحریر الروضه فی شرح اللمعه، ج ۱،

تهران: سمت و طه.

۱۰- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (بی تا)، بحار الانوار، ج ۴۰، بیروت: ناشر داراحیاء

التراث العربی.

۱۱- رضوانی، جابر (۱۳۹۲). قضاوت و معجزات حضرت علی (ع)، تهران: انتشارات پیام

عدالت.

۱۲- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب

العربی.

۱۳- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۳۶۲). ج ۴۱، بیروت: ناشر داراحیاء التراث العربی.

- ۱۴- گلپایگانی، محمدرضا (۱۳۷۲). الدر المنضود فی احکام الحدود، ج ۲، قم: ناشر دارالقران الکریم.
- ۱۵- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا): وسائل الشیعہ، ج ۲۸، قم: موسسه آل بیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- ۱۶- قاسم، حمزه (۱۳۸۷). بررسی ممنوعیت شکنجه در نظام حقوقی اسلام، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی ش ۱۴.
- ۱۷- صداقت، قاسم علی (۱۳۸۹). ویژگی های فقه اهل بیت (علیهم السلام) و نقش آن در حمایت از حقوق شهروندی، معرفت، ش ۱۵۴.
- ۱۸- صادقی، محمد هادی (۱۳۸۰)، ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام، مجله علوم اجتماعی و انسانی، ش ۳۳.
- ۱۹- میرزایی، علی اکبر (۱۳۸۵)، نهج الفصاحه، اصفهان: انتشارات عصر جوان.
- ۲۰- مجلسی، محمد باقر (بی تا): بحار الانوار، ج ۷۲، بیروت: دار الحیا التراث العربی.
- ۲۱- ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا). من لایحضر الفقیه، ج ۴، قم: ناشر موسسه النشر الاسلامی.
- ۲۲- طوسی، محمد بن حسن (بی تا): الامالی (للطوسی)، قم: دار الثقافه.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا): الکافی، ج ۳، قم: دارالحديث.
- ۲۴- معین، محمد؛ (۱۳۷۵) فرهنگ معین، ج ۹، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۵- رضوانی، جابر، قضاوت های حضرت علی (ع)، انتشارات پیام عدالت، چاپ هفتم، ۱۳۹۲.
- ۲۶- ابن حیون، نعمان، (بی تا): دعائم الاسلام، ج ۲، قم: موسسه آل البيت (ع).
- ۲۷- شهید اول، محمد بن مکی (بی تا): القواعد و الفوائد فی الفقه و الصول و العربیه، ج ۲، قم: ناشر کتاب فروشی مفید.
- ۲۸- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲): الکافی، ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- ۲۹- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا): وسائل الشیعه، ج ۲۹، قم: موسسه آل بیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- ۳۰- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۸۴۱ ق): المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، ج ۵، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- ۳۱- ایمانی سطوت، علی (۱۳۸۵): حقوق شهروندی در حکومت نبوی، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴۲.
- ۳۲- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۲): تحف العقول، ج ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم.
- ۳۳- لجنه التالیف (۱۴۲۷): اعلام الهدایه امام محمد بن علی الجواد، ج ۱۱، ناشر: مرکز الطباعه و النشر للمجمع العالمی الاهل بیت (ع).
- ۳۴- قربانی، علی و موحدی، جعفر (۱۳۹۱): ماهیت برائت در فقه و حقوق، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۶، ش ۸۰.
- ۳۵- مصدق، محمد (۱۳۹۳): آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوم.
- ۳۶- محمد علی، سلطانی (۱۳۸۵): کرامت انسان از نگاه قرآن، مجله آیینی پژوهش، ش ۱۰۲.
- ۳۷- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹ الف): میزان الحکمه، ج ۱، قم: انتشارات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- ۳۸- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹ ب): میزان الحکمه، ج ۲، قم: انتشارات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- ۳۹- <http://www.alemoon.ir/lib/۴/۳/content-۵۱.html> (۹۴/۶/۱۹)
- ۴۰- سبحانی تبریزی، جعفر (بی تا): مفاهیم القرآن، ج ۲، قم: موسسه امام صادق (ع).
- ۴۱- بجنوردی، حسن (۱۳۷۷): القواعد الفقهیة، ج ۱، قم: نشر الهادی.

- ۴۲- شهباز قهفرخی، سجاد (۱۳۹۱): حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات، دو فصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال ۳، ش ۲.
- ۴۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷): الاخلاق در قرآن، ج ۳، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب.
- ۴۴- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (بی تا). غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۱، ترجمه: هاشم رسولی (۱۳۷۸). قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



